

ارایه چارچوب مفهومی برای مدیریت استراتژیک دانش مطالعه‌ی موردی پهپاد RQ-170

مهران کشتکار^۱
فرهاد فرحناک^۲

چکیده:

امروزه، شرایط و فضای رقابتی سازمان‌ها بیش از پیش پیچیده شده و مدیریت کارآمد دانش به لبه رقابت تبدیل شده است. از جمله ویژگی‌های مهم این فضا، افزایش تصاعدی و غیر منتظره حجم اطلاعات و مهم‌تر از آن، سرعت و نرخ بالای غیرقابل استفاده شدن یا عبارتی کوتاه شدن عمر و بی ارزش شدن آن بوده که این موضوع یکی از دغدغه‌های اصلی سازمان‌ها محسوب می‌گردد. لازمه بقاء و تداوم در چنین فضایی، پاسخ‌گویی و انطباق با شرایط نوین حاکم بوده که با مدیریت دانش صحیح و مناسب، ضمن شناسایی فرصت‌ها، از آنها برای تحصیل سود خود استفاده می‌کنند. یکی از این فرصت‌های فراهم شده، هواپیمای بدون سرنشین جاسوسی RQ-170 در اختیار است که بواسطه لبه تکنولوژی و فناوری در ابعاد مختلف می‌تواند حاوی دانش بسیار زیادی برای کشور باشد. هدف اصلی در این مقاله، که با روش مطالعه کتابخانه‌ای انجام شده و بوده، ارائه چارچوبی برای دانش هواپیمای بدون سرنشین RQ-170 و مدیریت استراتژیک دانش یادشده در صنعت دفاعی می‌باشد. هدف اصلی این مقاله، از منظر شیوه اجرا، تحقیق به روش توصیفی و پیمایشی است. بدین معنا که روش تحقیق کتابخانه و ابزار گردآوری اطلاعات در آن فیش‌برداری از منابع پایگاه‌های اطلاعاتی شبکه جهانی اینترنت، کتب و مقالات علمی فارسی و لاتین مرتبط با موضوع تحقیق است و بدین ترتیب محورهای بنیادی و زیرساختی سازمانی موثر در مدیریت دانش شناسایی شده و به ارائه چارچوبی برای دانش هواپیمای بدون سرنشین RQ-170 و مدیریت استراتژیک دانش یادشده در سازمان صنعت دفاعی اقدام گردید.

کلید واژه:

دانش، مدیریت دانش، استراتژی دانش، استراتژی مدیریت دانش، صنعت دفاعی، پهپاد^۳

۱ - دانشجوی مدیریت راهبردی دانش دانشگاه عالی دفاع ملی Mehran_2a_1404@yahoo.com
۲ - کارشناس ارشد مدیریت دفاعی
۳ - پرنده های هدایت پذیر از راه دور

مقدمه

در این مقاله ابتدا به معرفی اجمالی هواپیمای بدون سرنشین RQ-170، مفهوم مدیریت استراتژیک و نقش آن در تحقق حرکت استراتژیک سازمان خواهیم پرداخت و در ادامه مباحث، به ارائه چارچوبی برای دانش هواپیمای مذکور و مدیریت استراتژیک دانش یادشده در صنعت دفاعی اقدام خواهد شد.

در این راستا مدیریت دانش به سازمان‌ها کمک می‌کند تا فرآیند دانش مؤثری داشته باشند. سازمان‌ها برای ادامه بقاء، باید از دانش موجود و ایجاد دانش جدید بهره‌جویند و مدیریت دانش در این امر کمک شایانی به آنها می‌کند. برای موفقیت در این امر، سازمان‌ها، نیازمند ایجاد محیط کاری هستند که در آن، دانش و تجربه به سادگی تسهیم شده، فرآیندها و فناوری‌های اطلاعاتی نیز برای این هدف بایستی اعمال شوند. شالوده موفقیت یک سازمان در پیاده‌سازی مدیریت دانش، هدفمندی آن است. مدیریت دانش بدنبال انجام هوشمندانه وظایف، در بستر یک سازمان دانا است. در چنین بستری اصل، اشتراک بیشتر و بیشتر دانش نیست، بلکه محوریت اشتراک دانش، باید دانش مناسب را در اختیار افراد متناسب قرار دهد. دانشی که به عمل تبدیل نگشته و در حیطه یک سازمان کاربری نداشته باشد، برای آن سازمان ارزشی نخواهد داشت. بنابراین باید بدانیم دانش مناسب کدام است؟ و افراد متناسب کدامند؟ (زاک، ۱۹۹۹: ۵۰)

با توجه به تغییرات محیط و انتقال به دنیای دانش، جری اش (۲۰۰۰)، برخی از مشخصات و خصوصیات این انتقال در زمینه دانش را که می‌توان در انتقال بسته‌های دانشی هواپیمای RQ-170 بدون سرنشین هم مورد بهره‌برداری قرار داد، بصورت زیر بیان نمود. (انتظاری، ۱۳۸۵: ۳۵):

- سازمان‌ها در زمینه سرمایه‌گذاری دانش کارکنان شان با یکدیگر در رقابتند.
- ذهن بشر، مجموعه داده‌ها، اطلاعات و دانش را به خرد تبدیل می‌کند.
- دانش، اطلاعاتی است که کشف یا ایجاد شده و بوسیله انسان طبقه‌بندی شده است.
- کارگر دانش، کسی است که دانش را پردازش کرده و آن را به ارزش واقعی تبدیل می‌کند.
- نیاز برای مدیریت دانش، دیدگاه جدیدی نسبت به ارزش منابع انسانی ایجاد می‌کند.
- مدیریت دانش، اداره کردن کار دانش سازمان و مبنای دانش آن، از طریق رهبری در یک محیط کاملاً جدید است.

▪ برای کشف موفقیت آمیز دانش، یک محیط باز برای تشویق تسهیم دانش و یک زمینه مناسب همکاری دانش لازم است. بنابراین اعتقاد ما بر این است که مدیریت دانش هواپیمای بدون سرنشین RQ-170 تنها زمانی می تواند در خدمت حرکت راهبرد کلان صنعت دفاعی باشد که رویکرد راهبردی در آن لحاظ شده باشد.

بیان مسئله و ضرورت تحقیق

پیروزی در یک جنگ، تنها برای کسانی است که برای تغییرات آماده بوده و خود به سمت آن می روند، نه کسانی که منتظر می مانند تا بعد از اتفاق افتادن تغییرات، خودشان را سازگار نمایند. (کشتکار، ۱۳۸۷) این مهم در شرایط و دورانی که بدلیل تعدد، تکثر و سرعت بالای چرخش دانش، نظم و ثبات جای خود را به آشفتگی و تغییرات مستمر داده، ساختارهای اجرایی سلسله مراتبی و دیوان سالاری خود را در برابر شبکه های دانشی منزوی می دانند، در کنار از پیش معین نبودن اقدامات و امور، همزمانی فرآیندها، ارتباطات چندوجهی، گفتمان دانشی، کار تیمی، ابداع و استفاده از فرصت ها در قیاس با ارتباطات عمودی، اتکا به مهارت های فردی، حل موضوع پس از مواجه شدن با مشکلات و ...، (موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، ۱۳۸۵) تلاش شده تا چارچوبی برای دانش هواپیمای بدون سرنشین RQ-170 و مدیریت استراتژیک این دانش در صنعت دفاعی ارائه گردد.

پرسش های تحقیق

- ۱- چارچوب مناسب برای شناسایی، انتقال و بکارگیری دانش هواپیمای بدون سرنشین RQ-170 در صنعت دفاعی چیست؟
- ۲- رابطه بین مدیریت استراتژیک دانش و مدیریت استراتژی کلان صنعت دفاعی برای بهره مندی از دانش هواپیمای بدون سرنشین RQ-170 چگونه باید باشد؟

فرضیه های تحقیق

با توجه به اینکه تحقیق توصیفی، تحلیل محتوایی می باشد، لذا فاقد فرضیه می باشد.

اهداف تحقیق

- ۱- ارائه چارچوب مناسب برای شناسایی، انتقال و بکارگیری دانش هواپیمای بدون سرنشین RQ-170 در صنعت دفاعی.

۲- ارائه چارچوب تبیین رابطه بین مدیریت استراتژیک دانش و مدیریت استراتژی کلان صنعت دفاعی برای بهره مندی از دانش هواپیمای بدون سرنشین RQ-170.

روش شناسی تحقیق

مقاله حاضر، از منظر شیوه اجرای تحقیق به روش توصیفی و پیمایشی تدوین یافته است. بدین معنا که ابتدا با استفاده از روش تحقیق کتابخانه ای و جست و جوی مقالات و منابع مرتبط، محورهای بنیادی و زیر ساختی سازمانی موثر در مدیریت دانش شناسایی شده، سپس مدل مناسبی برای فرآیند مدیریت دانش انتخاب گردیده است.

چارچوب نظری تحقیق

هواپیمای بدون سرنشین RQ-170:

هواپیمای بدون سرنشین RQ-170، ساخت شرکت لاکهید مارتین^۱ است که برای اولین بار در سال ۲۰۰۵ میلادی به صورت عملیاتی وارد خدمت نیروهای مسلح آمریکا شد و به شکل مخفیانه به عملیات در افغانستان پرداخت.^۲

هواپیمای بدون سرنشین RQ-170، به سختی قابل رویت است. پروژه طرح این هواپیما، با هزینه‌ای در حدود ۴۴ میلیارد دلار، لقب "گران‌ترین هواپیمای تاریخ هوانوردی" را به خود اختصاص داده است. تصویربرداری طولانی مدت از اهداف متحرک، ثابت و از پیش برنامه ریزی شده، پیگیری و شناسایی تماس‌های در لحظه^۳ مخابراتی و تجهیزات نظامی، فیلمبرداری از اهداف، دریافت دیتا، سیگنال و صدا و ارسال اطلاعات به مراکز تصمیم گیر، ماموریت اصلی هواپیمای بدون سرنشین RQ-170 می باشد. (الماسی - ۱۳۹۰: ۲۵)

پهپادها معمولاً در دو نوع تهاجمی و شناسایی ساخته می شوند. نوع شناسایی^۴ با حرف R و نوع تهاجمی^۵ با M نام‌گذاری می شوند. نوع شناسایی بیشتر از آنکه در اختیار ارتش آمریکا باشد، در اختیار سیا است. با این توضیح مشخص می‌گردد که پهپاد کنترل شده و در اختیار ایران از نوع شناسایی می باشد.^۶

1 - Lockheed Martin

2 - <http://www.alamto.com/rq-170.html>

3 - On Line

4 - Reconnaissance

5 - Military

6 - <http://www.hnews.ir/?module=news&nid=24842>

هواپیمای بدون سرنشین جاسوسی RQ-170، لبه تکنولوژی فناوری های جاسوسی است. با توجه به ابعاد نسبتاً کوچک این هواپیما، برترین فناوری های موجود در آن تعبیه شده اند. برخی از ویژگی های مهم این هواپیما عبارتند از:

- اختفا از دید رادار:

نخستین ویژگی هواپیمای جاسوسی بدون سرنشین RQ-170 که باعث شده در نوع خود منحصر به فرد باشد، توانایی تقریباً مهار ناپذیر رادار گریزی آن است. این هواپیمای جاسوسی به نحوی طراحی شده است که به دلیل امکان پرواز در ارتفاع ۵۰ هزار پایی (بیش از ۱۵ هزار متر) از امواج ارسالی بسیاری از رادارها در امان می ماند و در برخورد با امواج رادارهای پیشرفته تر، به دلیل ویژگی های خاصی که طراحی شکل بدنه، ترکیب شیمیایی رنگ و آلیاژ به کار رفته در بدنه هواپیما وجود دارد، این امواج را جذب کرده و امکان بازگشت آنها به مرکز تشخیص رادار را نمی دهد، از این رو آن را برای پرواز به مکان هایی که سایر هواپیمای با سرنشین یا بدون سرنشین بدلیل احتمال ردیابی و هدف قرار گرفتن نمی توانند به آنجا بروند ایده آل میدانند.

- برخورداری از فناوری برتر:

فناوری RQ-170 شباهتی بسیار زیاد به فناوری بمب افکن های B-2، جنگنده بمب-افکن F-35 و لایت نینگ^۱ که جزو پیشرفته ترین و در عین حال محرمانه ترین فناوری های نظامی امریکا محسوب می شود، می باشد. با توجه به مشابهت پهپاد مدرن RQ-170 در بسیاری از موارد منجمله نوع و طراحی بدنه و نیز فناوری های رادار گریز^۲، به جنگنده پیشرفته B-2، آن را نمونه ای در مقیاس کوچکتر از جنگنده B-2 می دانند.

استقرار و تعبیه رادار فوق پیشرفته SAR^۳ در داخل بدنه اصلی هواپیما، هیچ نمونه مشابهی در جهان ندارد. در جدیدترین مدل این رادارها که در پهپاد RQ-170 نیز بکار گرفته شده، قابلیت تهیه تصاویری با قدرت تفکیک ۱۰ سانتی متر وجود دارد که در راستای ماموریت جاسوسی از این فناوری پیشرفته به منظور تهیه نقشه از مکان های مورد نظر بهره برداری می شود.

سیستم راداری این هواپیما، همانند سامانه راداری بکار گرفته شده در جت های جنگنده پیشرفته F-22 و جنگنده جدید F-35 می باشد. دوربین ها و لنزهای نصب شده بر روی این نوع هواپیمای، به آن یک توانایی منحصر به فرد جهت تصویر برداری جاسوسی

1- Lightning

2- Stealth

3 - Synthetic Aperture Radar

می‌دهد. این دوربین‌ها دارای توان تصویر برداری با وضوح بسیار بالا و سه بعدی در هر شرایط جوی و همچنین دارای قدرت تفکیک منحصر به فرد هستند. حس‌گرهای نصب شده این هواپیما از نوع " الکتریکی - نوری / مادون قرمز بوده و از رادار آن با اهمیت‌تر است. سنسورهای نصب شده بر روی این نوع هواپیما قادر است حتی میزان اندکی از ایزوتوپ‌های رادیواکتیو و دیگر مواد شیمیایی و بوی آزمایش و آزمایشگاه‌های هسته‌ای زیرزمینی را شناسایی و تحقیقات هسته‌ای را برملا کرده و بر این اساس در کنترل و نظارت مراکز هسته‌ای بکار گرفته شوند. مجهز به سیستم‌های پیشرفته جمع‌آوری اطلاعات در ابعاد الکترونیکی، تصویری و مخابراتی و سامانه‌های راداری مختلف است. (ویکی پدیا، ۱۳۹۰)

- جنگ الکترونیکی:

توانایی‌های جنگ الکترونیک هواپیمای بدون سرنشین RQ-170 در دو حوزه خاص تعریف شده است:

- نخست توانایی در شنود انواع سیگنال‌ها، لذا مجموعه سیگنال‌های راداری و ارتباطات رادیویی با سیم، بی‌سیم و تلفن‌های همراه در اطراف منطقه پروازی، حتی از ارتفاع بسیار بالا و شعاعی بزرگ شنود و کنترل می‌شوند.
- دوم ایجاد اختلالات الکترونیکی شامل، جمینگ^۱ یا کور کردن سیستم‌های الکترونیکی با اعوجاج و جنگ الکترونیکی.

- مداومت پروازی:

ویژگی دیگر هواپیمای بدون سرنشین RQ-170، مربوط به موتورهای بسیار پیشرفته با مصرف کم آن است که عملاً به آن امکان می‌دهد به جای چند ساعت، چندین روز در هوا باقی بماند. برخی منابع ادعا کرده‌اند که این هواپیمای قادر به اجرای عملیات شناسایی ۲۴ ساعته است. علاوه بر آن این نوع پهپاد توانایی پرواز طولانی مدت بر فراز اهداف جاسوسی را داراست. این هواپیمای با هر بار سوخت‌گیری، قابلیت افزایش پرواز در شعاع ۱۵۰۰ کیلومتری را دارد.

- ارتباطات داده‌ای:

دستگاه‌های ارتباط اطلاعاتی این هواپیما بر روی برآمدگی‌های بال قرار دارد. ارتباط داده‌ای از طریق دیتا لینک رمزنگاری شده ماهواره‌ای و نیز ارتباطات دید مستقیم^۲ بوده و رمزگشایی داده‌ها فقط توسط مسئولان مرتبط میسر است. با توجه به اینکه برد این نوع پهپاد بسیار طولانی است و عملاً از طریق انحنایی که کره زمین دارد از دید خارج می‌شود

1 - Jamming

2 - Line Of Sight

عملیات کنترل از طریق واسط ماهواره ای انجام می‌شود. قسمت بالای هر بال این هواپیما برآمدگی هایی وجود دارد که به احتمال زیاد محل نصب حسگرهای ارتباط ماهواره ای موسوم به ست کام^۱ است داده ها به محض جمع آوری از طریق دیتا لینک ها به مبدا ارسال میشوند.(ویکی پدیا، ۱۳۹۰)

- عمل کننده در یک شبکه بزرگ:

این نوع شناساگر ممکن است ساعت‌ها بر فراز منطقه گشت بزند و مختصات دقیق هدف را به مراکز تصمیم‌گیر، گزارش کند و سپس سامانه‌ها و جنگ‌افزارهای عمل کننده همانند هواپیماهای دارای سرنشین و بدون سرنشین مهاجم، سامانه‌های موشکی و ... آن هدف را با دقت نابود کند. دیتالینک^۲ این نوع هواپیما قادر به اتصال به این مراکز تصمیم‌گیر می‌باشد. مثلا خلبان جنگنده می‌تواند از طریق دیتا لینک از داده‌های این هواپیما در کنار داده‌های دیگر که با رادار قوی از ناحیه‌ای دورتر پایش می‌شود بهره مند شود. (کشتکار، ۱۳۸۷)

- مرکز کنترل زمینی:

مرکز کنترل این نوع پهباد شامل مجموعه‌ای از تجهیزات و نیروی انسانی فنی، عملیاتی و پشتیبانی کننده است. برخلاف هواپیماهای معمولی که در تعداد خدمه محدودیت دارند، این نوع هواپیما، با فراغ بال بیشتری توسط ایستگاه کنترل و از زمین قابل کنترل است. خلبان پهباد با اعتماد به سنسورهای کنترل از راه دور و اطلاعات شبکه‌ای، می‌تواند ارزیابی کاملی براساس قواعد درگیری همانند هواپیمای سرنشین‌دار انجام دهد. در واقع، به علت ویژگی‌های منحصر به فرد پهباد، وی می‌تواند در وضعیت بهتری این کار را انجام دهد. خلبان پهباد به علت این‌که حضور فیزیکی در هواپیما ندارد، نسبت به خلبان هواپیمای سرنشین‌دار کمتر تحت تاثیر هیجان حملات جنگی قرار دارد، از این رو وقت بیشتری برای تحلیل و ارزیابی اهداف و موقعیت استراتژیک پهباد در اختیار خواهد داشت. (کشتکار، ۱۳۸۷)

مفهوم دانش و انواع آن:

دانش اطلاعاتی است که فردی یا چیزی را تغییر می‌دهد. (دراکر^۳، ۱۹۹۹: ۳۰)،

1- SATCOM (Satellite Communication)

2 - Data Link

3 - Drucker, P.F

واندراسپیک و اسپیکروت^۱ (۱۹۹۷) معتقد است، دانش مجموعه کاملی از دیدگاه‌ها، تجربیات و فرآیندهاست که درست و واقعی فرض شده و لذا راهنمای افکار، رفتارها و ارتباطات مردم است. نوناکا^۲ (۲۰۰۴)، دانش را باوری پالایش شده می‌داند که ظرفیتی را برای اقدامی موثر افزایش می‌دهد. لیپوویتز^۳ (۱۹۹۹)، می‌گوید، دانش مجموعه‌ای از قوانین و حقایق است که خبرگان ممکن است طی سال‌ها تجربه بدست آورده باشند.

صرف نظر از تقسیم بندی دانش بصورت صریح و یا ضمنی، دانش بر اساس کارکردهایی که دارد می‌تواند توصیفی بوده و به بیان جزئیات (چه چیزی) یک پدیده بپردازد و یا اینکه می‌تواند کارکرد فرآیندی داشته و (چگونگی) انجام واقعه‌ای را توصیف نماید. همچنین دانش می‌تواند کارکرد علت- معلولی داشته و (چرایی) وقوع یک پدیده را تبیین نماید. این تقسیم‌بندی توسط کوئین و همکارانش در مورد دانش حرفه‌ای یک سازمان بکار گرفته شد و بر این اساس دانش حرفه‌ای سازمان را در چهار سطح کارکردی تعریف نمودند. (جعفری و کلانتر، ۱۳۸۲: ۱۶)

مفهوم مدیریت دانش:

مدیریت دانش، مربوط به استفاده نظام‌مند از دانش در سازمان و بکارگیری آن در فعالیت‌ها، بمنظور تحقق اهداف و رسالت سازمان است. هدف مدیریت دانش، جلوگیری از تکرار اشتباهات و اتخاذ تمامی تصمیمات بر اساس دانش سازمان می‌باشد. (میلتون، ۲۰۰۲: ۴۵)

سازمان توسعه اقتصادی جهانی^۴ (۲۰۰۳)، مدیریت دانش را مجموعه‌ای از فعالیت‌های سازمانی در خلق، کسب، توزیع دانسته‌ها و ارتقاء به اشتراک‌گذاری دانش در داخل سازمان و محیط پیرامون آن تعریف نموده است. اعمال مدیریت و زمینه‌سازی برای تبدیل دانش (نهان به عیان، انفرادی به جمعی و بالعکس) در یک سازمان یا بین سازمان‌ها، در قالب گردآوری، سازماندهی، به اشتراک‌گذاری دانش، به عنوان یک سرمایه سازمانی و در راستای دستیابی به اهداف سازمان، تعریف دیگری از مدیریت دانش است. (حسن زاده، ۱۳۸۳) و نهایتاً، شولام برگر^۵، هدف نهایی از مدیریت دانش را چنین بیان می‌کند، هر آنچه را که در جایی یاد می‌گیرید، در همه جا بکار برید. تحقق این مقصود متکی به ادغام فناوری،

1 - Van der Spek, R., Spijkervet, A

2 - Takeuchi, H. , Nonaka, I.

3 - Liebowitz, J.

4 - OECD

5 - Scholumberger

ارایه چارچوب مفهومی برای مدیریت استراتژیک دانش مورد مطالعه ای پهباد RQ-170 ۱۵

فرآیندها و سرمایه های ذهنی و سپس تبدیل این نتایج به یک عمل موثر و مشخص است. (انتظاری، ۱۳۸۵)

دانشمندان معتقدند که در عصر دانش، فرهنگ، زیربنا و زیرساخت‌ها، شکل و راه کارهای سازمانی تغییر می کند و تفاوت‌های زیادی در تمام سطوح نسبت به دوره صنعتی شاهد خواهیم بود. برخی از این تفاوت‌ها در جدول زیر نشان داده شده است. (برومند، ۱۳۸۳: ۲۶)

دنهام گری^۱، هشت مزیت خاص مدیریت دانش را چنین بیان می کند:

دوره دانشی	دوره صنعتی
مرز آشفتگی، انعطاف و تغییر مستمر	نظم و ثبات
شبکه های دانشی یا انجمن های دانشی	دیوان سالاری یا سلسله مراتبی
فرآیندهای همزمان	فعالیت های متوالی
خود سازمانی	ساختار از پیش تعیین شده
تمرکز، تسهیل و هماهنگی	فرمان و کنترل
ارتباطات چندوجهی	ارتباطات عمودی
گفتمان دانش آفرین	آموزش و بحث
ارزش نوآفرین	ارزش افزوده
شایستگی های دانشی	مهارت های فردی
کار تیمی و قابلیت های همکاری	مشاغل و ویژگی های شغلی
ابداع	اطلاعات و پیروی
فرصت ها	مشکلات

۱. جلوگیری از افت دانش: سازمان قادر میگردد تا تخصص فنی حیاتی خود را حفظ و از افت دانش حیاتی که در نتیجه بازنشستگی، کوچک سازی، اخراج کارکنان و تغییرات سریع ناشی می شود، جلوگیری کند.
۲. بهبود تصمیم گیری: نوع و کیفیت دانش موردنیاز برای تصمیم گیری های اثربخش شناسایی و دسترسی به آن دانش تسهیل می بخشد. در نتیجه، تصمیمات سریع تر و بهتر می تواند در سطوح سازمانی جاری و صورت گیرد.
۳. انعطاف پذیری و انطباق پذیری: به کارکنان اجازه می دهد تا درک بهتری از کار خود به عمل آورده، راه حل های نوآور مطرح کنند. در نتیجه می توانند در موقعیت های چند وظیفه ای فعال باشند.
۴. مزیت رقابتی: سازمان را قادر می سازد تا کاملاً مشتریان، دیدگاه ها و بازار رقابت را درک کرده، شکاف ها و فرصت های رقابتی را شناسایی کند.

۵. توسعه دارایی: توانایی سازمان را در سرمایه گذاری در حفظ قانونی مالکیت معنوی بهبود می بخشد.
۶. افزایش محصول: به سازمان اجازه می دهد که دانش را در خدمت و فرآورده بکار گیرد. در نتیجه ارزش درک شده محصول با نسبت مستقیم میزان و کیفیت دانش محصول افزایش پیدا می کند.
۷. مدیریت مشتری: سازمان را قادر می سازد تا توجه قانونی و خدمت به مشتری را افزایش دهد. این امر تضمین کننده سازگاری و کیفیت بهتر خدمات به مشتریان می گردد.
۸. بکارگیری سرمایه گذاری ها در بخش سرمایه انسانی: از طریق توانایی بخشیدن به سهام شدن در درس های یاد گرفته، فرآیندهای اسناد و بررسی و حل استثنائات و در اختیار گرفتن و انتقال دانش ضمنی، سازمان ها می توانند به بهترین وجه در استخدام و کارآموزی کارکنان سرمایه گذاری کنند.

نقش مدیریت دانش در تحقق حرکت استراتژیک سازمان:

بسیاری از سازمان ها برای تعیین هدف و دستیابی به آن از برنامه های استراتژیک سود می برند. توجه به مدیریت دانش در تدوین برنامه های استراتژیک و چشم انداز، باعث قرار گرفتن بندهای بسیار کلیدی در اهداف سازمان میشود که گاهی پیروزی های آینده شرکت را رغم می زند و نیز عدم توجه به آن در بازار رقابتی و دانشی امروز، باعث شکست های جبران ناپذیر می گردد. روش تدوین برنامه های استراتژیک بر مبنای دانش، همانند روش های مرسوم در برنامه ریزی، اما با لحاظ کردن توجه به سرمایه های دانشی و فکری و آینده نگاری های تکنولوژیکی و دانشی می باشد. این کار به وسیله حضور تیم دانش در این برنامه ریزی ها ممکن می گردد.

در پیاده سازی مدیریت دانش، نخست باید موضوع را با تعیین استراتژی و نیز مدیریت آن و انتخاب های کلیدی که سازمان باید درباره این موضوعات انجام دهد، آغاز کرد. عبارتی دیگر، نخستین اقدام بنیادی در شروع پیاده سازی، ایجاد استراتژی مناسب است. (احمدی، ۱۳۸۹)

استفاده از دانش برای ایجاد مزیت رقابتی به عنوان بخش مهمی از تعاریفی که در چارچوب مدیریت استراتژی و برای مدیریت دانش ارائه شده، همواره مورد تاکید قرار گرفته است. عبارت دیگر مدیریت دانش به وجود نمی آید مگر این که در آن مزیت رقابتی ایجاد

شده و بدست آید. بنابراین لازم است تا میزان ارتباط مدیریت دانش و مزیت رقابتی را به عنوان یک پرسش اساسی مطرح و دنبال کرد. برخی از عواملی که مدیریت دانش می تواند به وسیله آنها به مزیت رقابتی منجر شود، عبارتند از:

- مدیریت دانش می تواند باعث یک استراتژی نوآور شود که در صورت عدم انجام آن، این امر ممکن نمی گردد.
- مدیریت دانش می تواند اجرای بهتر یک استراتژی مهم ولی مشترک را در سراسر یک صنعت ممکن سازد. مطالعات نشان داده است، شرکت هایی با روش های فعال تر و نوآورتر در ایجاد دانش، از سازمان هایی با استراتژی دانش ضعیف تر، سود بیشتری به دست آورده اند. (بیرلی و چاکری بارتی^۱، ۱۹۹۹)
- شرکت ها می توانند مزیت را به وسیله دانش به محصولات و خدمات خود، بدست آورند. (احمدی، ۱۳۸۹)

قابلیت های استراتژیک و محور شایستگی ها تا اندازه ای به دانش سازمان و افرادش مربوط می باشد. (پرهالد هامل^۲، ۱۹۹۰) نظریه استراتژیک نهایی، برقراری ارتباط و پیوند بین استراتژی کسب و کار و استراتژی مدیریت دانش در سازمان است. مطمئنا هیچ شرکتی نمی تواند همه اشکال دانش خود را به صورت ایده آل اداره کند، از این رو باید درباره انتخاب محدوده و اولویت های دانش دقت کافی داشته باشد و در اجرای فرآیند مدیریت دانش، گام های منطقی و شدنی بردارد. (احمدی، ۱۳۸۹)

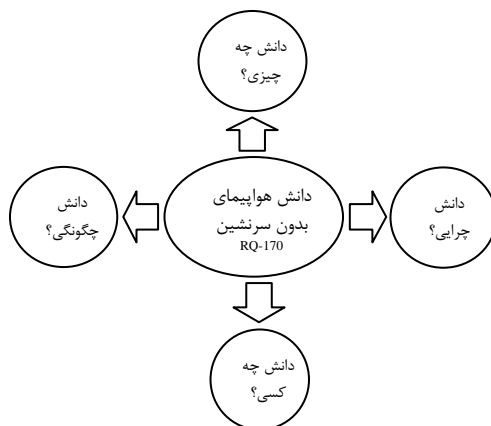
تبیین الگوی مفهومی تحقیق

قبل از ارائه چارچوب مدیریت استراتژیک دانش، به بررسی و تقسیم بندی دانش هواپیمای بدون سرنشین RQ-170 بر اساس کارکرد در صنعت دفاعی می پردازیم. ادبیات موضوع نشان می دهد که دانش سازمان ها بر اساس کارکردهایی که دارد می تواند توصیفی بوده و به بیان چه چیزی یک پدیده پردازد و یا می تواند کارکرد فرآیندی داشته و چگونگی انجام واقعه ای را توصیف نماید. دانش همچنین می تواند کارکرد علت و معلولی داشته و چرایی وقوع یک پدیده را تبیین نماید. منبع دانش می تواند، انسان، محصولات، فرآیندها و یا هر چیز دیگر باشد، که ما آن را در قالب دانش چه کسی بیان می داریم.

1 - Bierly & Chakrebari, ۱۹۹۹

2 - Prahalad , Hamel 1990

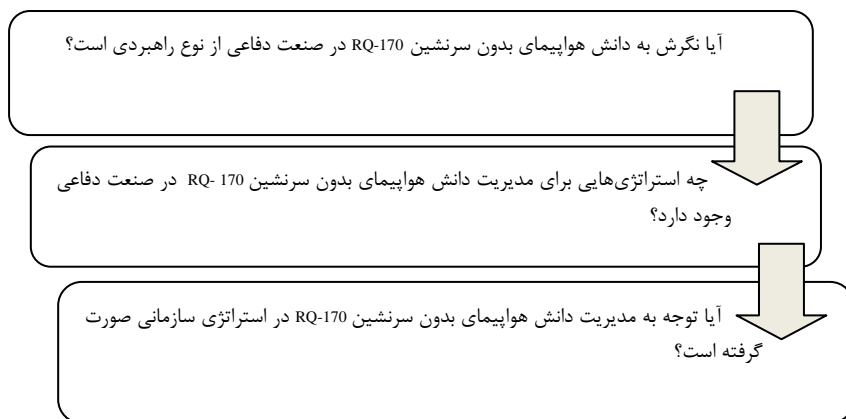
چیستی هواپیمای بدون سرنشین RQ-170 یکی از سوالاتی است که عموماً قبل از هر چیزی لازم است روشن گردد. ما پاسخ به این سوال را در ذیل "دانش چه چیزی" دسته بندی می نماییم. اهمیت موضوع را بدلیل ترکیبی از تجهیزات و المان های متعدد برخوردار از فناوری های روز و پیشرفته، "دانش چرایی" (چرایی اهمیت)، نحوه عملکرد هواپیما و هرکدام از اجزا و المان های تشکیل دهنده آن را در قالب "دانش چگونگی" و نهایتاً مرجع ومبنای کار را بعنوان "دانش چه کسی" طبقه بندی نموده و چارچوب اولیه بشرح ذیل در نظر گرفته شد. (شکل ۴)



شکل ۴- چارچوب مفهومی دانش هواپیمای RQ-170 در سازمان صنعت دفاعی

پس از تعیین حوزه های دانش کلیدی سازمان، جهت تمرکز بمنظور تسهیل حرکت استراتژیک سازمان ها در افق زمانی آینده، بایستی این محتوا در سازمان ساری و جاری گردد و در بستر کلیه فرآیندهای سازمانی نهادینه گردد. بعبارت دیگر دانش جدید بایستی در سازمان بمعنی واقعی نفوذ پیدا کند و با عملیات و فعالیت های سازمانی عجین و یکپارچه گردد. به این ترتیب مرحله بعد در این فرآیند، تدوین استراتژی های مدیریت دانش می باشد. استراتژی های مدیریت دانش بایستی تعیین کنند که چگونه بایستی با دانش جدید رفتار شود. این مهم، نوع برخورد مدیریتی با دانش های جدید را ترسیم و تعیین می کند. طبیعتاً استراتژی های مدیریت دانش بایستی بگونه ای تدوین شوند که کاملاً هماهنگ و همسو با یکدیگر باشند و در طی تغییراتی که به سیستم دانش سازمان اعمال می نمایند، یکپارچگی این مجموعه را خدشه دار نکنند. از این رو در خصوص تبیین جایگاه استراتژی دانش پرنده بدون سرنشین RQ-170 در صنعت دفاعی، ضرورت پاسخ گویی صنعت مذکور را به سه پرسش ذیل پیشنهاد می نماییم. (شکل ۵)

شکل ۵ - چارچوب مفهومی ارتباط بین استراتژی دانش هواپیمای RQ-170 و استراتژی کلان صنعت دفاعی

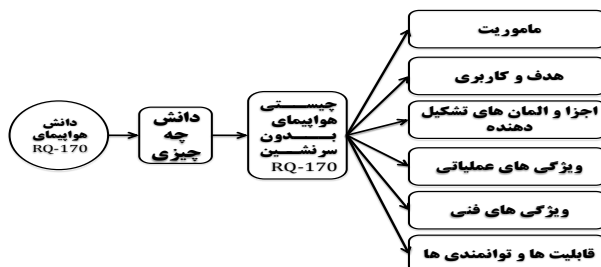


یافته‌های تحقیق

یافته اول:

بر اساس جمع بندی از مطالب مطرح شده، الگوی مناسب شناسایی دانش هواپیمای بدون سرنشین RQ-170 بر مبنای ماهیت را بشرح ذیل انجام داد:

(۱) دانش چه چیزی: در خصوص هواپیمای بدون سرنشین RQ-170، دانش "چه چیزی" شامل این میشود که صنعت دفاعی پاسخ به چیستی این هواپیما را بیابد. این مهم به شناخت ماموریت، کاربری و هدف از طراحی و ساخت هواپیما، ویژگی ها، توانمندی ها، مقدرات و مواردی از این دست که در ذیل به برخی از آنها اشاره شده است، رهنمون می سازد.



شکل ۶ - "دانش چه چیزی" هواپیمای بدون سرنشین RQ-170

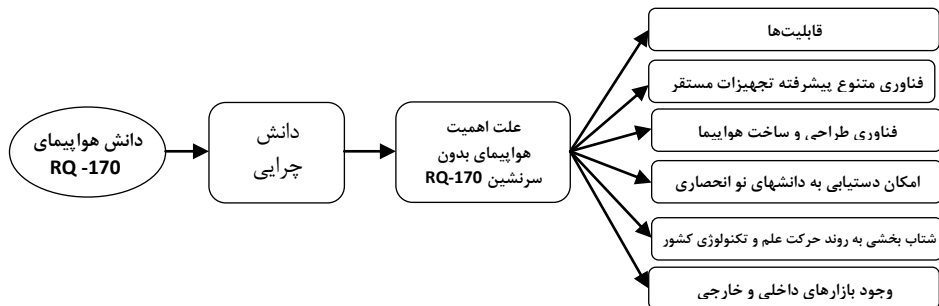
▪ قابلیت انتقال و مخابره فرامین و اطلاعات و داده ها به بازیگران شبکه یکپارچه فرماندهی و کنترل.

- قابلیت حضور در مکان هایی که پرواز سایر هواپیمای با سرنشین و یا حتی بدون سرنشین بدلائل مختلف فنی، ردیابی و هدف قرارگرفتن و ... میسر نمی باشد.
- قابلیت تصویر و فیلم برداری با وضوح بسیار بالا و سه بعدی از اهداف متحرک، ثابت و اهداف از پیش برنامه ریزی شده با توجه به دوربین ها و لنزهای نصب شده، در هر شرایط جوی.
- قابلیت شناسایی، سنجش و اندازه گیری حتی میزان اندکی از ایزوتوپ های رادیواکتیو و دیگر مواد شیمیایی و بوی آزمایش و آزمایشگاه های هسته ای زیرزمینی و تحقیقات هسته ای با توجه به حس گرهای نصب شده.
- توانایی در شنود و کنترل انواع سیگنال ها (مجموعه سیگنال های راداری و ارتباطات رادیویی با سیم، بی سیم و تلفن های همراه در اطراف منطقه پروازی، حتی از ارتفاع بسیار بالا)
- توانایی ایجاد اختلالات الکترونیکی از طریق جَمینگ یا کور کردن سیستم های الکترونیکی.
- قابلیت تهیه تصاویری با قدرت تفکیک بسیار پایین به منظور تهیه نقشه از مکان های مورد نظر با توجه به استقرار و تعبیه رادارهای فوق پیشرفته بر روی هواپیما.

۲) **دانش چرایی:** دانش چرایی، علت اهمیت این هواپیما را نشان میدهد. در این مقال،

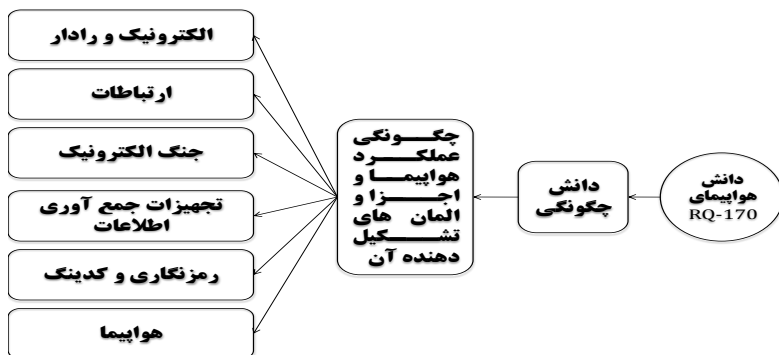
موضوع از دیدگاه اهمیت به لحاظ قابلیت ها و نیز اهمیت بدلیل نوع فناوری بکار گرفته شده بررسی شده است. در این صورت اهمیت فناوری بدلیل آنکه بصورت مستقیم، دانش بکار رفته در تجهیزات متنوع و پیشرفته پرنده بویژه با قابلیت تحقق و تداوم کاربری چندمنظوره و البته در شرایط سخت رطوبت، شرجی بودن، سرما، گرما، گرد و غبار، ابری بودن، فشار تحمیلی سقف و مداومت پروازی بالا،... را بیان می کند بسیار ارزشمند می باشد. طراحی و ساخت آیرودینامیک، بال و بدنه، الکترونیک و رادار، مخابرات، سنجنده های حرارتی، الکترونیکی و مادون قرمز، رمزنگاری و کدینگ، ماهیت فرامین و نرم افزار کنترلی و امنیتی، ... مبتنی بر فناوری روز می باشد. در شیوه غیر مستقیم، انتقال دانش در حوزه های علم الکترونیک، جنگ الکترونیک، مخابرات، کنترل سیستم ها، مکانیک، شیمی و مواد، ... که اساس صنایع سنگین از جمله صنعت دفاعی در طراحی و ساخت انواع پرنده های با سرنشین و بدون سرنشین، رادارها، تجهیزات مخابراتی، سامانه های جنگ الکترونیک، سامانه های کسب اطلاعات، ... میسر می گردد. شناخت قابلیت ها و فناوری بکار رفته، باعث خواهد شد تا دانش و فناوری دفاع و محافظت در برابر آن حداقل در دو نگاه فعال و غیرفعال، از طریق تولید محصول مناسب، اصلاح فرآیند و روش های پدافند غیرعامل، اجرای آموزش های مناسب و ... صورت گیرد. علاوه بر آن، مشابهت تکنولوژی بکار رفته در سایر سامانه ها همانند بمب

افکن های B-2، جنگنده بمب افکن F-35، لایت نینگ ۲ و ... ضرورت عنایت ویژه به دانش چرایی را دو چندان می سازد. (شکل ۷)



شکل ۷ - "دانش چرایی" هواپیمای بدون سرنشین RQ-170

۳) دانش چگونگی: چگونگی عملکرد هواپیما و هرکدام از اجزا و المان های تشکیل دهنده را که حاصل حقایق، باورها، دیدگاه ها، قضاوت ها و انتظارات، روش ها و دانستن " چگونه " ها بوده، بیان میکند. (شکل ۸)



شکل ۸ - "دانش چگونگی" هواپیمای بدون سرنشین RQ-170

برخی از موارد تحصیلی در خصوص دانش چگونگی شرح ذیل می باشد:

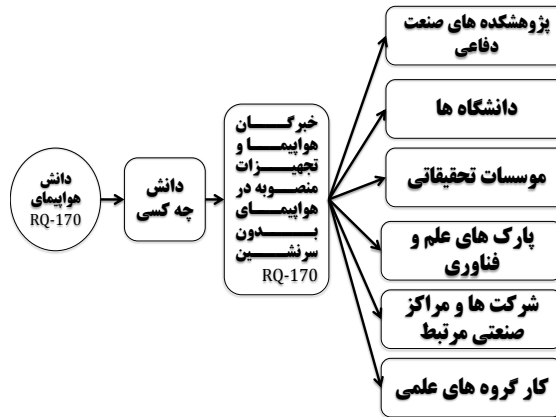
▪ استخراج پلان طراحی و ساخت هواپیمای بدون سرنشین RQ-170 (طول، عرض، ارتفاع، زوایای بال و بدنه، ...). الزامات پروازی شامل ویژگی های باند، میزان تحمل باد بویژه در موقعیت های نشست و برخاست، دستورالعمل های کنترلی، نظارتی، نگهداری، ... در ادامه این فرآیند مشخص میگردد.

▪ استخراج پلان طراحی و ساخت محموله هواپیمای بدون سرنشین RQ-170 (نوع، چینش، تعداد، ابعاد، اشکال، وزن، ارتباطات و اتصالات بین اجزاء و تجهیزات، ...) برای ماموریت تعریف شده.

- چگونگی عملکرد رادارها، تجهیزات مخابراتی، جنگ الکترونیک، دوربین ها، لنزها و حسگرها و ... منصوبه بر روی هواپیما.
- چگونگی رمزنگاری و کدینگ شامل، نوع مدولاسیون، نوع کدینگ، مدیریت کلید، چگونگی ارسال فرامین کنترلی و دریافت داده ها، ماهیت فرامین و نرم افزار کنترلی، ماهیت نرم افزار های امنیتی
- چگونگی شبکه انتقال و توزیع فرامین و اطلاعات و داده ها به بازیگران شبکه یکپارچه فرماندهی و کنترل.
- چگونگی عملیات شنود، استراق سمع و کنترل مکالمات رادیویی، تلفن های همراه، ارتباطات با سیم و بی سیم.
- چگونگی عملیات جمع آوری اطلاعات در ابعاد الکترونیکی، راداری، تصویری و ...
- چگونگی جنگ الکترونیک و پوشش باندهای فرکانس کاری
- چگونگی تحقق مداومت پروازی بالا و طولانی مدت.
- چگونگی تحقق سوخت گیری.

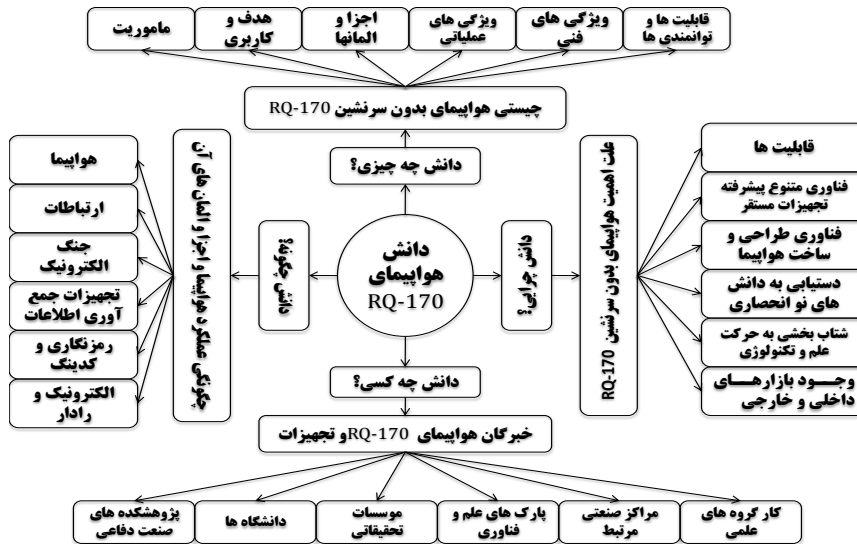
۴) دانش چه کسی: به این سوال پاسخ می دهد که خبرگان این حوزه و نیز خبرگان تخصص های جزء به جزء آن چه کسانی هستند؟ چه کسانی می توانند در شناخت، بررسی، تولید و بکارگیری و ... کمک کنند؟ این نوع دانش تصدیق این مهم است که هواپیمای RQ-170 حاصل سال ها تجربه و تلاش خبرگان حوزه های مختلف بدست آمده است. از آنجائی که امکان دستیابی مستقیم به طراحان پرنده میسر نمی باشد، تا از این طریق بصورت دقیق به دانش چه چیزی، چرایی و چگونگی هواپیما دستیابی گردد، لذا قبل از هر اقدامی، به نظر می رسد که شایسته آن است که این مهم را به دست خبرگان متعهد کشور بسپاریم.

مطالعه رویکرد کشورهای مختلف در حوزه دانش های راهبردی نشان می دهد که هر چند استفاده از همه ظرفیت های داخلی و خارجی صورت میگیرد اما بدلائل مختلفی منجمله الزام در رعایت ملاحظات خاص، همچنان نظام حکومتی بعنوان محور اصلی می باشد. بنابراین در خصوص هواپیمای بدون سرنشین RQ-170 نیز محوریت کار می بایست با صنعت دفاعی بوده و در عین حال از ظرفیت و پتانسیل دانشگاه ها و مراکز علمی و پژوهشی معتبر و متعهد داخلی، صنایع و شرکت های پیشرو با تشکیل تیم ها و کارگروه های کاری در تخصص ها و نیز سطوح مختلف، بهره مند گردید. (شکل ۹)



شکل ۹ - "دانش چه کسی" هوایمای بدون سرنشین RQ-170

با جمع بندی مطالب بالا، چارچوب پیشنهادی اولیه ارائه شده بشرح ذیل اصلاح گردید. (شکل ۱۰)



شکل ۱۰ - چارچوب مفهومی نهایی دانش هوایمای بدون سرنشین RQ-170

یافته دوم:

با شناخت دانش هوایمای بدون سرنشین RQ-170، اتفاق شایسته، شناسایی شکاف دانشی خواهد بود، این مهم صنعت دفاعی را برای تدوین استراتژی کلان صنعت در پوشش استراتژی دانش رهنمون می‌سازد.

پاسخ سوال اول:

با شناخت دانش موجود در هواپیمای بدون سرنشین RQ-170 که بصورت اجمالی در بالا بدان اشاره شد، مشخص می‌گردد که بعنوان منبعی ارزشمند و استراتژیک و بعبارتی دقیق تر یک دارایی کلان و مهم در اختیار صنعت دفاعی قرار گرفته است. مدیریت این دانش و دارایی ارزشمند، قطعاً در عین سخت بودن، بسیار هیجان انگیز و لذت بخش خواهد بود. برخی از دلایل اشاره شده در ذیل که بعبارتی فرصت‌ها و تهدیدات می‌باشند، ضرورت اقبال و حمایت مدیریت صنعت دفاعی از این دانش را الزامی می‌نماید:

▪ پذیرش جهانی توانمندی، دانش و اراده کشورمان در خصوص هواپیماهای بدون سرنشین بویژه RQ-170.

▪ متاثر شدن دشمن در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و ... بدلیل تحمیل اراده کشورمان در کنترل و در اختیار گرفتن RQ-170.

▪ کوتاه شدن مسیر همگانی شدن تکنولوژی برتر بکارگرفته شده در هواپیماهای بدون سرنشین و مشخصاً RQ-170 بدلیل در اختیار قرار گرفتن محصول.

▪ فراهم شدن بسترهای لازم برای شکست انحصار دانش اختصاصی (ویژگی های رادار گریزی، مداومت پروازی طولانی مدت، سقف پروازی بالا و ...) هواپیماهای با سرنشین و بدون سرنشین.

▪ علاقه مندی و اشتیاق بسیاری از کشورها در خصوص جذب دانش هواپیماهای بدون سرنشین.

▪ محدود بودن کشورهای صاحب دانش هواپیماهای بدون سرنشین و امکان انتقال این دانش به آنها از سوی کشورمان.

▪ خدشه دار شدن اعتبار صنعت دفاعی، که ممکن است در صورت عدم توفیق در انتقال و بهره گیری از دانش هواپیمای بدون سرنشین برای تولید محصول بومی، حادث گردد.

▪ محدود بودن روش ها و امکانات اجرایی برای کسب حداکثری از دانش هواپیمای بدون سرنشین.

▪ فراموشی دانشی در مراحل شناخت، انتقال و بکارگیری دانش هواپیمای بدون سرنشین.

پاسخ سوال دوم:

پس از پذیرش موضوع مدیریت دانش در قواره راهبردی، سازمان صنعت دفاعی، می باید جهت واکنش منطقی نسبت به تغییرات دانشی حادث شده و استفاده از دارایی مذکور برای خلق ارزش، استراتژی کارآمد دانشی را بیابد. بر این اساس فرصت ها، تهدیدات، نقاط قوت و ضعف دانش، باید روش گردد تا متناسب با آن، اهداف، رویه ها و سیاست های سازمان در این خصوص مشخص شود. این امر به مدیریت یاری می‌رساند تا با اتخاذ رویه‌ای هماهنگ و یکپارچه به اهداف خود به نحو شایسته‌ای دست یابد. سازمان همچنین باید به لحاظ استراتژیک، منابع و قابلیت های دانشی خود را ارزیابی و به طور وسیع استراتژی دانش خود

را به منظور تمرکز بر هر گونه شکافی مشخص کند، تا استراتژی دانش سازمان، از طریق فرآیندهای شناسایی، تسهیم و کاربرد دانش برای پر کردن آن شکاف ها بهره گیرد. موارد زیر می توانند بخشی از فرصت ها و قوت های دانشی برای صنعت دفاعی در خصوص هواپیمای بدون سرنشین باشند.

- برخورداری از منابع انسانی متعهد، مستعد، توانمند، با انگیزه و با روحیه سلحشوری و معتقد به فعل خواستن توانستن است.
 - وجود زیرساخت های حمایتی کامل سطوح بالای کشور در همه ابعاد مادی و معنوی، که این حمایت قطعاً مدیریت دانش این هواپیما را نیز شامل می شود.
 - وجود زیرساخت های لازم و ظرفیت های دانشی در مراکز علمی، دانشگاهی و صنعتی برای شناسایی، انتقال و بکارگیری دانش هواپیمای بدون سرنشین RQ-170.
 - در اختیار بودن هواپیمای بدون سرنشین RQ-170 بعنوان بسته دانشی صریح برای الگو برداری، تطبیق و کنترل و ارزیابی بکارگیری دانش آن.
- در عین حال، احتمالاً در دسترس نبودن دانش کامل هواپیما و نیز زمانبر بودن و هزینه بر بودن شناسایی، انتقال و بکارگیری کامل دانش این پرنده، علی الخصوص در حوزه های گلوگاهی همانند توانمندی های رادار گریزی، سقف پروازی بالا و طولانی مدت و ... می تواند در روند بهره برداری از دانش هواپیمای بدون سرنشین RQ-170 باشد.
- برخی از الزامات تدوین استراتژی دانش هواپیمای بدون سرنشین در صنعت دفاعی که می بایست رعایت گردد:

(۱) با فرض موجود بودن استراتژی سازمان برای رسیدن به وضع مطلوب دانش از قبل، با توجه به اهمیت موضوع RQ-170، نسبت به بازنگری در استراتژی دانش سازمان صنعت دفاعی اقدام شود.

(۲) نقشه دانش موجود در سازمان ترسیم گردد. (سازمان صنعت دفاعی چه چیزهایی را در خصوص پرنده بدون سرنشین RQ-170 میدانند؟)

(۳) بر اساس استراتژی تدوین شده، دانش مورد نیاز مشخص گردد. (سازمان صنعت دفاعی چه چیزهایی را باید در خصوص پرنده بدون سرنشین RQ-170 بداند؟)

(۴) دانش مورد نیاز و دانش موجود در سازمان صنعت دفاعی مقایسه گردد. (مقایسه ردیف های ۲ و ۳ بالا)

(۵) نقشه دانش بیرونی سازمان صنعت دفاعی (سازمان و رقبای بین المللی) ترسیم گردد. (رقبا چه چیزهایی را در خصوص پرنده های بدون سرنشین و مشخصاً RQ-170 میدانند؟)

- ۶) دانش موجود سازمان صنعت دفاعی با دانش موجود رقبای بین المللی مقایسه گردد. (مقایسه ردیف های ۲ و ۵ بالا)
- ۷) قابلیت های یادگیری سازمان صنعت دفاعی ارزیابی و چرخه یادگیری سازمان برای کلان دانش و مشخصا دانش پرنده RQ-170 تعیین شود.
- ۸) چرخه و قابلیت های یادگیری سازمان مسئول و رقبای بین المللی برای کلان دانش و مشخصا دانش پرنده RQ-170 ارزیابی شود.
- ۹) قابلیت های یادگیری سازمان صنعت دفاعی با رقبای بین المللی برای کلان دانش و مشخصا دانش پرنده RQ-170 مقایسه گردد.
- ۱۰) تاثیر شکاف دانش درونی سازمان متولی بر استراتژی سازمانی آن ارزیابی شود. (شکاف استراتژیک درونی سازمان چیست؟)
- ۱۱) تاثیر شکاف دانش بیرونی سازمان صنعت دفاعی بر استراتژی سازمانی آن ارزیابی شود. (شکاف استراتژیک بیرونی سازمان چیست؟)
- ۱۲) تاثیر شکاف یادگیری سازمان صنعت دفاعی بر استراتژی موجود سازمانی آن ارزیابی شود. (شکاف استراتژیک سازمان چیست؟)

پاسخ سوال سوم:

استراتژی دانش به عنوان جزیی از استراتژی اصلی سازمان صنعت دفاعی، بین جهت گیری های استراتژیک سازمان، ساختارها و فعالیت های دانشی آن، اتصال و ارتباط برقرار می کند. اهمیت بیشتر این موضوع وقتی روشن تر می گردد که بدانیم بخشی از فلسفه هر دو استراتژی کلان سازمان و دانشی سازمان، اشاره به وجود شکاف بین وضعیت موجود (آنچه سازمان میداند/ انجام می دهد) و وضعیت مطلوب (آنچه باید بداند/ باید انجام دهد) بر میگردد.

دانش و مدیریت دانش پرنده بدون سرنشین RQ-170 برای آنکه بخواهد در سازمان صنعت دفاعی ماندگار شود، باید بین مدیریت دانش و بافت استراتژیک سازمان، ارتباط عملی برقرار شود. به این معنا که برنامه ریزی استراتژی مدیریت دانش، باید بخشی و سهمی از استراتژی کلی سازمان صنعت متولی بوده و با فلسفه مدیریت، هدف ها و قابلیت های سازمان صنعت دفاعی، تناسب و همخوانی داشته باشد. بودن استراتژی دانش بعنوان بخشی از استراتژی کلان سازمان، حمایت سازمان را در همه ابعاد و سطوح، مالی و معنوی، ایجاد زیرساخت های لازم و ... برای توفیق بدنبال خواهد داشت. زیرا با تحقق اهداف مدیریت دانش، بخشی از اهداف کلان سازمان نیز محقق گردیده است. بنابراین به نظر می رسد اولین اقدام در این خصوص بازنگری در استراتژی کلان صنعت دفاعی بمنظور

گنجاندن و یا تقویت نقش مدیریت دانش و مشخصاً مدیریت دانش هواپیمای RQ-170 باشد.

برخی از الزامات هماهنگی بین استراتژی دانش هواپیمای بدون سرنشین و استراتژی کلان در صنعت دفاعی که می بایست رعایت گردد:

(۱) با فرض موجود بودن استراتژی سازمان برای مدیریت دانش از قبل، با توجه به اهمیت موضوع RQ-170، نسبت به بازنگری در استراتژی سازمان برای حمایت از مدیریت دانش صنعت دفاعی اقدام شود.

(۲) تاثیر شکاف دانش بیرونی سازمان صنعت دفاعی بر استراتژی سازمانی آن ارزیابی شود. (شکاف استراتژیک بیرونی سازمان چیست؟)

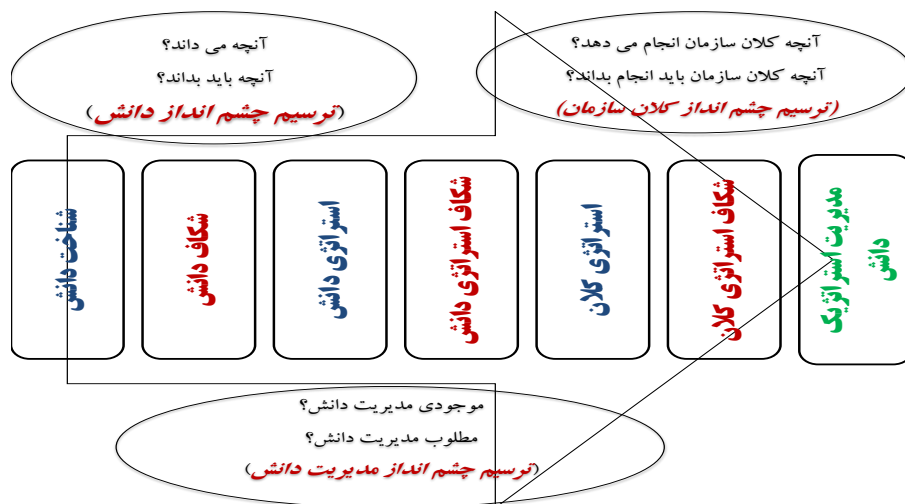
(۳) تاثیر شکاف یادگیری سازمان صنعت دفاعی بر استراتژی موجود سازمانی آن ارزیابی شود. (شکاف استراتژیک سازمان چیست؟)

(۴) مشخص شود که چگونه شکاف های دانش و یادگیری سازمان صنعت دفاعی، با تغییر در استراتژی موجود سازمان قابل رفع شدن است. (استراتژی موجود و آینده سازمان صنعت دفاعی چیست؟)

(۵) ظرفیت زیرساخت های پیاده سازی مدیریت دانش سازمان صنعت دفاعی ارزیابی شده و در صورت نیاز نسبت به تقویت آن اقدام شود. (وضعیت فعلی و مطلوب عناصر منابع انسانی، فرهنگ سازمانی، منابع مالی، فرآیندها و فناوری مورد نیاز برای مدیریت دانش پرنده RQ-170 مشخص و مقایسه گردد)

(۶) با توجه به خلق دانش در مقابل بهره برداری و با توجه به منابع داخلی سازمان صنعت دفاعی در مقابل منابع بیرونی، میزان تهاجمی بودن برای نزدیک کردن شکاف دانش سازمان تبیین شود. (استراتژی دانش سازمان متولی تدوین شود)

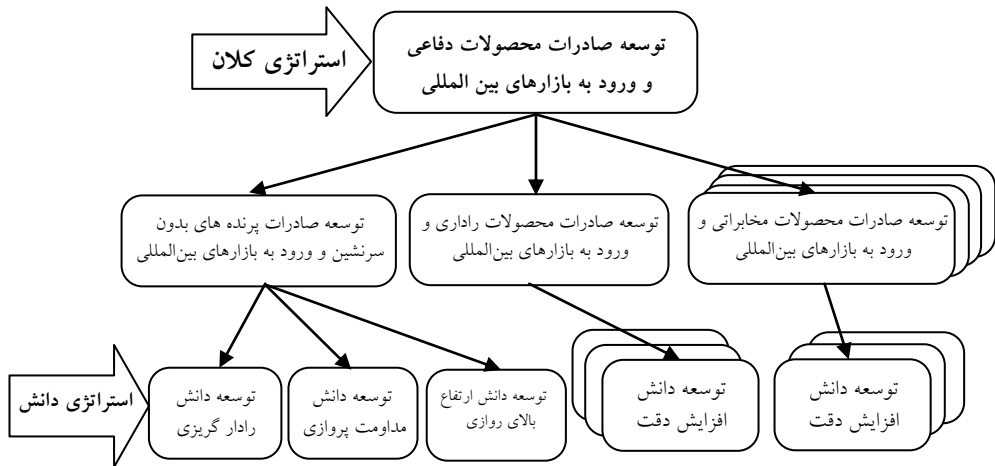
پس از جمع بندی یافته های اول و دوم که به تفصیل به آن اشاره گردید، چارچوب مفهومی نهایی ارتباط بین استراتژی دانش هواپیمای RQ-170 و استراتژی کلان سازمان صنعت دفاعی بشرح ذیل پیشنهاد می گردد. (شکل ۱۱)



شکل ۱۱ - چارچوب مفهومی نهایی ارتباط بین استراتژی دانش هواپیمای RQ-170 و استراتژی کلان سازمان صنعت دفاعی

نتیجه گیری:

ارزشمندی مدیریت دانش در سازمان، در گرو پشتیبانی آن از تحقق اهداف استراتژیک سازمان میباشد. این تعامل نیازمند برقراری ارتباط مناسب و منطقی و مبتنی بر شناخت بین مدیریت دانش و مدیریت استراتژیک سازمان می باشد. بر این مبنا در این مقاله به ارائه چارچوب دانش هواپیمای بدون سرنشین RQ-170 با توجه به ماهیت و کارکرد در سازمان صنعت دفاعی اقدام گردید. چارچوب ارائه شده توانمندی ما را در خصوص میزان شکاف دانش سازمان مشخص میکند. از آنجائی که پر نمودن این شکاف به تدوین استراتژی دانش سازمان منتهی می گردد و آن نیز می بایست هماهنگ با استراتژی کلان سازمان باشد، لذا ارتباط استراتژی دانشی و استراتژی کلان سازمان صنعت دفاعی و چارچوب مناسب آن به صورت مدل مفهومی (شکل ۱۲) پیشنهاد می گردد.



شکل ۱۲ - نمونه ای از استراتژی دانشی و استراتژی کلان سازمان صنعت دفاعی و ارتباط آنها

منابع و ماخذ

- ۱) احمدی، سید علی اکبر، صالحی، علی ۱۳۸۹، «مدیریت دانش»، تهران.
- ۲) اخوان، پیمان، ۱۳۸۸ «مدیریت دانش: بهره وری سازمانی»، تهران انتشارات آتی نگر.
- ۳) الماسی، سجاد، «پرنده بدون سرنشین RQ-170»، فصلنامه علمی تحقیقاتی محقق، تهران، شماره ۵۴، زمستان ۱۳۹۰.
- ۴) امین مقدم علی، مریم ستوده ریاضی، ۱۳۸۵ «ارائه مدلی برای توسعه مدیریت دانش در سازمان های تحقیقاتی با رویکرد استفاده موثر از فناوری اطلاعات و ارتباطات»، اولین همایش مدیریت دانش آجا
- ۵) انتظاری، علی، ۱۳۸۴ «مدیریت دانش: فرآیندها و توان سازها»، دومین کنفرانس توسعه منابع انسانی، انتشارات سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران.
- ۶) برومند، زهرا، ۱۳۸۳ «مدیریت دانش»، فصلنامه مدیریت، شماره ۹۲،
- ۷) جعفری، مصطفی، کلانتر، سیدکیانوش، «مدیریت دانش در سازمان»، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۴۲، ۱۳۸۲.
- ۸) حسن زاده، محمد، طرهانی، فرزاد، «دفاع دانش بنیان در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، تهران، ۱۳۹۰
- ۹) ----- "مفاهیم بنیادی مدیریت دانش"، تهران، انتشارات کتابدار، ۱۳۸۶
- ۱۰) کریمی، ندا، «مدیریت دانش: نیاز سازمان های امروزی»، مجله الکترونیکی پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۸۵.
- ۱۱) کشتکار، مهران، «ساختار نظام فرماندهی و کنترل نهجا برای جنگ های آینده»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دافوس آجا، تهران، ۱۳۸۷.
- ۱۲) موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، طرح فرا سازمانی فاوا نیروهای مسلح، «نقش فناوری اطلاعات در جنگ های آینده»، تهران، جلد یک، ۱۳۸۵.

منابع لاتین:

- 13) Davenport, T. and Prusak, L. (2000), "Working Knowledge", Boston, MA: Harvard Business School Press.

- 14) Davenport, T. H. & Prusak, L. (1998). Working Knowledge: How Organizations Manage What the Know. Boston, Massachusetts, Harvard Business School Press.
- 15) Drucker, P.F., "Knowledge Worker Productivity", California Management Review , Vol. ۴۱, No.۲, PP.۹۴-۷۹. ۱۹۹۹
- 16) Gandhi ،S. (2004) ،"Knowledge Management & Reference Services" ،The Journal of Academic Librarianship ،Vol. 30 ،No. 5 ،PP. 45-53.
- 17) Liebowitz, J., Knowledge Management Handbook, New York, CRC press. ۱۹۹۹
- 18) Milton, N. (2002). Knowledge Management (KM). Bound Guidance Notes Series, (5), 1-4.
- 19) Nonaka, I., (1994). A Dynamic Theory of Organizational Knowledge Creation, Organization Science. 5(1), 14-37.
- 20) Takeuchi, H. , Nonaka, I., Hitotsubashi in Knowledge Creation, Singapore, Asia Pte Ltd ,John Wiley & Sons,. ۲۰۰۴
- 21) Van der Spek, R., Spijkervet, A ., Knowledge Management: Dealing Intelligently with Knowledge, Knowledge Management and its Integrative Elements, New York, CRC press ۱۹۹۷
- 22) Wig ،K. M. (1997) ،"Integrating intellectual capital and knowledge management" ، Long Range Planning ،30 (3):399-405.

منابع اینترنتی:

- 23) <http://www.alamto.com/rq-170.html>
- 24) http://www.fa.wikipedia.org/.../۱۷۰_لاکھید_مارتین_آر_کیو_...
- 25) <http://www.hnews.ir/?module=news&nid=24842>